



The Impact of Cultural Capital on Social Tolerance in Small Towns, Middle Cities and Metropolises: A Study of Youths in the Khaf

Sabzevar and Mashhad¹

Mahdi Zanganeh²

Assistant Professor, Department of Geography and Urban Planning, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

Zakieh Sharafi

MA in Demographics, Shiraz University, Shiraz, Iran

Received: 27 February 2024 Revised: 5 August 2024 Accepted: 20 August 2024

Abstract

Social tolerance is the foundation of democracy and civil society, and cultural capital is one of the prerequisites for the emergence of social tolerance in a community. Therefore, this study aims to assess the impact of the cultural capital of the youth on social tolerance in three cities that are distinct in terms of population, geography, and culture. This is a fundamental study that adopts a descriptive-analytical and survey method. Data was collected using both documentary and field survey methods (questionnaires). The statistical population of the study includes young people aged 18-35 living in three cities of Khaf, Sabzevar, and Mashhad in Razavi Khorasan province. A sample size of $n=1135$ was calculated by Cochran's formula for the three cities using a multi-stage cluster sampling method. Data analysis was conducted using variance analysis, correlation coefficients, and multiple regression tests. The indices of cultural capital (subjective, objective, and institutional) were measured with 17 items, while social tolerance (identity-related, belief-related, and behavioral) was measured with 26 items. The Cronbach's alpha coefficient was 0.7, indicating the reliability of the research instrument. The results show that with rising population of cities, social tolerance is improved. Furthermore, as the components of cultural capital—whether objective, subjective, or institutional—improve among youth, their social tolerance is enhanced as well. The regression analysis of these indicators explains 59% of variance in the dependent

1 . "This research is derived from a project titled: Factors Affecting Social Tolerance with Emphasis on Cultural Capital in Small, Intermediate, and Large Cities (A Study of Youth Aged 18 to 35 in the Cities of Khaf, Sabzevar, and Mashhad), which was conducted with the financial support of the Research and Technology Fund of the Presidency."

2. Corresponding Author: Email: m.zanganeh@hsu.ac.ir

variable (social tolerance). According to the findings, subjective cultural capital yields the greatest impact on social tolerance in the studies cities, followed by objective and institutional cultural capital, respectively.

Keywords: Cultural Capital, Social Tolerance, Youth.





Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

تأثیر سرمایه فرهنگی بر مدارای اجتماعی در شهرهای کوچک، میانی و کلان شهری مورد مطالعه: جوانان سه شهر خواف، سبزوار و مشهد^۱

مهدی زنگنه (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران، نویسنده مسئول)

m.zanganeh@hsu.ac.ir

زکيه شرفی (کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران)

sharafi134@gmail.com

چکیده

مدارای اجتماعی پایه و اساس دموکراسی و جامعه مدنی است و سرمایه فرهنگی یکی از پیش‌شرط‌های به وجود آمدن مدارای اجتماعی در جامعه است. به همین دلیل پژوهش حاضر بر آن است تا تأثیر سرمایه فرهنگی جوانان را بر مدارای اجتماعی در سه شهر متفاوت به لحاظ جمعیتی، جغرافیایی و فرهنگی و سنجش و بررسی قرار دهد. تحقیق حاضر، از حیث نوع، بنیادی و از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی و پیمایشی است. داده‌ها به دو روش اسنادی و میدانی (پرسش‌نامه) گردآوری شده‌اند. جامعه آماری تحقیق شامل جوانان ۱۸-۳۵ ساله سه شهر خواف، سبزوار و مشهد در خراسان رضوی بوده که از طریق فرمول کوکران حجم نمونه، ۱۱۳۵ به دست آمده که در سه شهر مورد نظر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای توزیع و تکمیل شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با آزمون تحلیل واریانس، ضرایب هم‌بستگی و رگرسیون چندمتغیره انجام شده است. شاخص‌های سرمایه فرهنگی (ذهنی، عینی و نهادی) با ۱۷ گویه و مدارای اجتماعی (هویتی، عقیدتی و رفتاری) با ۲۶ گویه سنجیده شدند. مقدار آلفای کرونباخ، ۰/۷ به دست آمده که نشان از پایایی ابزار تحقیق است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که با افزایش جمعیت شهرها، مدارای اجتماعی هم افزایش می‌یابد. با بالارفتن مؤلفه‌های سرمایه‌های فرهنگی، اعم از عینی، ذهنی و

۱. این پژوهش، مستخرج از طرحی با عنوان: عوامل مؤثر بر مدارای اجتماعی با تأکید بر سرمایه فرهنگی در شهرهای کوچک، میانی و کلان شهری (مورد مطالعه: جوانان ۱۸ تا ۳۵ ساله شهرهای خواف، سبزوار و مشهد) است که با حمایت مالی صندوق پژوهشگران و فناوران ریاست جمهوری انجام شده است.

نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیست‌ویکم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۳، شماره پیاپی ۴۸ صص ۲۳۲-۲۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۱۵ تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۰۵/۳۰

نهادی در بین جوانان، مدارای اجتماعی آنها هم افزایش می‌یابد. تحلیل رگرسیونی شاخصهای سه گانه پژوهش به میزان ۵۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته (مدارای اجتماعی) را تبیین می‌کنند و نتایج، حاکی از آن است که متغیر سرمایه فرهنگی ذهنی، بیشترین تأثیر و بعد از این متغیرهای سرمایه فرهنگی عینی و نهادی به ترتیب تأثیرات فزایندهای را بر مدارای اجتماعی در سه شهر مورد مطالعه خواهند داشت. **واژگان کلیدی:** سرمایه فرهنگی، مدارای اجتماعی، جوانان.

۱. مقدمه

هم‌زیستی موضوعی است که همیشه در طول تاریخ وجود داشته است و انسان‌ها همواره در پی آن بوده‌اند که شیوه‌های زندگی مسالمت‌آمیز را در کنار یکدیگر بیابند. موضوع هم‌زیستی در تاریخ بشر هیچ‌گاه مانند امروز محل مناقشه و بحث نبوده است؛ زیرا انسان‌ها هرگز اهمیت تفاوت را چنین ملموس و گسترده به صورت رویارویی هر روزه با دیگربودگی تجربه نکرده‌اند (گلابی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۴۸).

در جوامع جدید، با رشد فزاینده ارتباطات در همه زمینه‌ها، تنوع فرهنگی، قومی، زبانی و اعتقادی بیشتر و میزان تعاملات و برخورد افراد دوچندان شده است. در واقع، باید گفت امروزه این تنوع تا حدی است که بدون داشتن حداقلی از مدارای اجتماعی و تحمل عقاید متفاوت و مخالف، زندگی کردن در وضعیت عادی غیرممکن خواهد شد (دومهری و همکاران، ۱۳۹۸). در جوامع پیش از صنعت، هم‌گونی زیادی بر اجتماع حاکم بود و تفاوت و تمایزهای اجتماعی چندان در جامعه وجود نداشت؛ اما با تغییر و تحولاتی که در چند سده اخیر روی داده، چهره جهان به‌طور کلی دگرگون شده است. ارتباطات گسترده بین‌المللی، فائق آمدن انسان بر محدودیت‌های پیشین و رویارویی با افرادی را سبب شده است که از جنبه‌های گوناگون با او متفاوت هستند. گسترش شهرنشینی این وضعیت را تشدید کرده است (زالی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷). مدارای یکی از ظرفیت‌های مهم و یکی از مؤلفه‌های توسعه در جوامع محسوب می‌شود؛ چنانکه هانتینگتون معتقد است که توسعه نیازمند شکل‌گیری شخصیت و انسان نوگراست. از نظر وی، انسان سنتی همیشه توقع ساکن بودن، نبود تغییر در طبیعت و جامعه را دارد؛ ولی انسان

نوبین با نگرش‌ها و طرز تلقی‌های مختلفی روبه روست. او امکان هر تغییر و دگرگونی‌ای را قبول دارد و خود را با آن وفق می‌دهد (گلابی و همکاران، ۱۳۹۹).

مدارا ایده اصلی دموکراسی به‌منزله بنیان شهروندی است. این مفهوم از موقعیت‌های خاص تاریخی و فرهنگی در دوران پساجنگ جهانی برآمده است، مقطعی از تاریخ که در آن نیاز به تکیه‌گاهی برای تأمین امنیت همه اعضا و ارکان جامعه و دوری از اندیشه‌های فاشیستی که جهان را برای سالیان دراز درگیر کرده بود، احساس می‌شد. مدارا عنصری فرهنگی است که به‌وسیله شهروندان ساخته و فهمیده می‌شود و به‌وسیله همان شهروندان به کار گرفته و به مرور، نهادی و به سنت تبدیل می‌شود، فرایندی مستمر و پویاست که به‌وسیله افرادی بازتولید می‌شود که براساس تفسیر و شناخت خود از آن عمل می‌کنند (ذکایی و امیری مقدم، ۱۴۰۰).

اهمیت مقوله مدارا به قدری است که پیامبر اسلام (ص) مدارا کردن با مردم را مهم‌ترین رکن عقلانیت بعد از ایمان به خدا معرفی می‌کنند و امام علی (ع) آن را نتیجه خردورزی می‌دانند. در جهان معاصر با تنوع فرهنگی، قومی، نژادی، زبانی و درهم‌تنیدگی محیط‌های مختلف اجتماعی و درهم‌نوردیدن مرزهای جغرافیایی با فناوری‌های ارتباطی و ابزارهای نوین و عرصه‌های مجازی تعاملی اثرگذار در زندگی مردم، نمی‌توان به راحتی از نقش تأثیرگذار مدارای اجتماعی گذشت (دومهری و همکاران، ۱۴۰۰).

امروزه تنوع فرهنگی، میزان تفاوت‌ها در جوامع و نیز آشنایی و برخورد آنها با یکدیگر به مسئله‌ای اساسی تبدیل شده است؛ زیرا تفاوت‌ها، پیوندهای اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ به همین دلیل، آنچه بیش از همه جلوه می‌کند تفاوت رو به تزاید افرادی است که گروه‌ها، نهادها، هویت‌ها و نگرش‌های مختلفی را تشکیل می‌دهند. چنین شرایطی زمینه‌های گسست در جامعه را فراهم می‌کند. در این وضعیت، این مدارا است که مانع شکل‌گیری تعارض و رویه‌های خشونت‌آمیز در جامعه می‌شود؛ زیرا مدارا به‌طور تلویحی به معنای افتتاح گفتمان آزادی وجدان و آزادی بیان است. مدارا برای بهبود کیفیت مناسبات اجتماعی و اجتناب از خشونت و اجبار است. مدارا ارزشمندشمردن تفاوت‌ها، پل زدن بر شکاف‌های فرهنگی، پذیرفتن اندیشه‌های قالبی

غیر منصفانه، آزاد گذاشتن دیگران برای داشتن ویژگی‌های شخصی یا نگهداری عقاید و اعمالی است که دیگران آن را به‌عنوان عملی اشتباه یا تنفرانگیز در نظر می‌گیرند. در واقع مدارا پیش‌نیاز شکل‌گیری جامعه مدنی است (افرا، ۱۴۰۱).

اگرچه مدارا مفهومی پیچیده و بحث‌برانگیز است، در معنای کلی به میزان شناخت و پذیرش اختلافات، تمایل به اعطای حقوق برابر و پرهیز از نگرش‌های آشکارا تحمل‌ناپذیر اشاره دارد (زاناکیس^۱ و همکاران، ۲۰۱۶)؛ به عبارتی مدارا شامل نشان‌دادن احترام و عزت به دیگران است، بدون اینکه لزوماً با اعمال یا ارزش‌های آنها موافق باشید یا آنها را بپذیرید (آنانینا و دانیلو^۲، ۲۰۱۵)؛ به بیان ساده، مدارا پذیرش این نکته است که انسان‌ها به‌طور طبیعی از نظر ظاهر، زبان، رفتار و ارزش‌ها گوناگون هستند و حق زندگی در صلح دارند و کسی نمی‌تواند دیدگاه‌های خود را بر دیگری تحمیل کند.

اهمیت مدارا در جوامع امروزی به‌گونه‌ای است که برخی آن را جوهر دموکراسی می‌دانند و برخی دیگر آن را عنصری ضروری برای کنش ارتباطی و مفاهمه می‌دانند. مدارا را می‌توان پذیرش و کنار آمدن با افراد و گروه‌هایی تعریف کرد که از نظر نظام ارزشی و عقیدتی با ما متفاوت هستند (گلابی و همکاران، ۱۳۹۹). فلچر^۳ مدارا را عملی می‌داند که به مردم اجازه می‌دهد بدون اقدام به جنگ آزاردهنده علیه دیگران، عقاید یا ویژگی‌های آنان را دوست نداشته یا حتی از آنها متنفر باشند (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۸).

در بیانیه اصول مدارا در نشست یونسکو (۱۹۹۵)، مدارا با عنوان احترام گذاشتن، پذیرش و ارج نهادن به فرهنگ‌های متنوع پیرامونی و اشکال مختلف آزادی بیان تعریف شده است. در نتیجه، می‌توان گفت که مدارا با احترام و تحمل اعتقادات و رفتارهای مخالف و مؤلفه‌هایی چون وجود تنوع و اختلاف، ناخشنودی و نارضایتی، وجود آگاهی و قصد، توافق، وجود قدرت و توانایی

1. Zanakis

2. Ananina & Danilov

3. felcher

مداخله و درنهایت، کنترل خویشتن و مهار خویش در مداخله و مقاومت ملازم و همراه است (آگیوس و آمبروسویز^۱، ۲۰۱۳).

علاوه بر مباحث بالا، در راستای اهمیت مدارا برای زندگی و حیات به دور از تنش در جهان معاصر، مؤلفه‌های بسیاری به‌عنوان بنیادها و زیرساخت‌های شکل‌گیری مدارا در میان افراد و جوامع عمل می‌کنند؛ برای نمونه، سکومی^۲ سه عامل مهم را در شکل‌گیری مدارا مطرح می‌کند که شامل خصوصیات شخصیتی، عوامل حمایتی درون خانواده و عوامل اجتماعی است. سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیز از جمله عواملی هستند که موجب ارتقای مدارا نسبت به دیگران می‌شوند؛ بدین معنا که زمانی که افراد در شبکه‌های اجتماعی قرار می‌گیرند، تحت تأثیر سرمایه اجتماعی برون‌گروهی، مدارای آنها افزایش می‌یابد و هنجارهای موجود در این شبکه‌ها با اقوام، مذاهب، ملیت‌ها و اندیشه‌های متفاوت برخورد و نگرش مداراجویانه‌تری نشان می‌دهند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۹).

از طرفی دیگر، از چند دهه قبل تغییری انقلابی در مفهوم سرمایه به وجود آمده و مفهوم سرمایه‌های جدید مطرح شده است. به‌طوری‌که، مفهوم سرمایه به عرصه‌های مختلفی مثل مدیریت دانش، تکنولوژی اطلاعات، ساختار، شبکه‌های اجتماعی و منابع نهفته در شبکه‌ها، گردش اطلاعات، قابلیت‌ها، مهارت‌ها و دانش کارگران نیز گسترش یافته است؛ یکی از معروف‌ترین این سرمایه‌های جدید که امروزه بسیار از آن سخن گفته می‌شود، سرمایه فرهنگی است (استوربرگ^۳، ۲۰۰۲). به دلیل اهمیت و گستردگی نقش این نوع سرمایه، بسیاری از تحلیل‌گران و نظریه‌پردازان اجتماعی از آن به‌عنوان منبع بسیار مهمی در تعیین ساختار اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی یاد نموده‌اند. این نوع سرمایه در یک معنای اقتصادی می‌تواند ابزاری را برای بازنمایی فرهنگ فراهم کند که این امکان را به وجود می‌آورد که جلوه‌های ملموس و

1. Agius & Ambrosewicz
2. secuomby
3. Storberg

ناملموس فرهنگ را به صورت ذخایر بادوام ارزش و تأمین‌کننده منافع افراد و گروه‌ها در نظر خواهد گرفت (فایقی و باینگانی، ۱۳۹۵).

در جامعه امروزی با گسترش وسایل ارتباطی، امکان ارتباطات محلی، ملی و بین‌المللی فراهم شده و مردم سراسر دنیا امکان تعامل و ارتباط وسیع با یکدیگر را پیدا کرده‌اند. در چنین شرایطی انسان‌ها بیشتر با تفاوت‌ها روبه‌رو شده و به تمایز فرهنگ خود با دیگران پی می‌برند. آنچه باعث می‌شود انسان‌ها با این تفاوت‌ها کنار آمده و به سایر فرهنگ‌ها احترام بگذارند، گسترش فرهنگ مداراست. مدارا را می‌توان پذیرش و کنار آمدن افراد و گروه‌هایی که از نظر نظام ارزشی و عقیدتی با یکدیگر متفاوت می‌باشند، تعریف کرد (کوبایاشی^۱، ۲۰۱۰). اهمیت مدارا در جامعه به گونه‌ای است که در صورت نبود آن، جامعه با مشکلات اساسی روبه‌رو خواهد بود و افراد تنها راه مقابله با تفاوت‌ها را خشونت خواهند دانست (ویتنبرگ^۲، ۲۰۱۲) و این موضوع در مورد جوانان بیشتر مصداق می‌کند؛ چراکه بالندگی و ارتقاء جامعه مرهون جوانانی است که با آموزه اخلاقی تساهل‌گرا و مداراجو، تلاش می‌کنند گرهی از مشکلات بکشایند. داشتن سرمایه در تمامی ابعاد به‌خصوص سرمایه فرهنگی را می‌توان راهی برای تقویت مدارای جوانان و ارتباطات سالم، کاهش نزاع و درگیری، برقراری آرامش، صلح و امنیت در جامعه در نظر گرفت.

به‌طورکلی این تحقیقات نشان داد افرادی که دارای سرمایه فرهنگی بیشتری هستند؛ برای مثال تمایل آنها به استفاده و حمایت از محصولات فرهنگی جامعه خود بیشتر است یا گرایش به تحصیلات و مطالعه و کسب دانش دارند، انتظار می‌رود روحیه سازش‌پذیر بیشتری از خود در روابط اجتماعی با دیگران نشان دهند. مدارا این قدرت را دارد که بر تفاوت‌ها و تعصبات و دشمنی بین مردم غلبه کرده، هم‌زیستی صلح‌آمیز را برقرار سازد (وان دورن^۳، ۲۰۱۴).

و از طرفی بزرگی کلان‌شهرها سبب می‌شود تا احتمال گرد هم آمدن افراد با سلیقه‌های متفاوت و حتی غیر عادی بیشتر شود و این باعث مدارای بیشتر در کلان‌شهرها خواهد شد. در

1. Kobayashi
2. Witenberg
3. van Doorn

شهرهای کوچک که تنوع گروه‌های خویشاوندی مشابه دارند و یکدیگر را حتی با اسم کوچک می‌شناسند، روابط اجتماعی از نوع روابط نخستین است و تعاملات از طریق روابط رو در رو و صمیمانه است و با افزایش اندازه شهر، ویژگی‌هایی چون رقابت، نفع شخصی، کارآیی، پیشرفت و تخصص عمومیت می‌یابند و روابط دومین پدید می‌آید و همچنین، در شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها که عرصه تغییرات و تحولات بی‌شماری هستند، مسئله بحران هویت به دلیل وجود مهاجرین شکل می‌گیرد و متعاقب آن اعتماد، امنیت و انسجام و مشارکت‌های اجتماعی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. از این‌رو، در کلان‌شهرهایی مانند مشهد مسئله مدارای اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن و مقایسه این مسئله در ارتباط با شهرهای میانی و کوچک ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است تا بتوان با مقایسه شهرها با مقیاس جمعیتی بهتر به ریشه‌یابی این مسئله پرداخته شود.

این پژوهش بر آن است تا میزان و ابعاد مدارای اجتماعی را در هر یک از محیط‌های شهری که به لحاظ مقیاس جمعیت، سلسله مراتب شهری، تنوع و تعدد قومیت‌ها تفاوت دارند بسنجد و از آنجا که براساس پیشینه‌های نظری و تجربی مرتبط با مدارای اجتماعی بر سرمایه فرهنگی تأکید بیشتری داشته‌اند، در این پژوهش به این مسئله توجه شده است. در پی چنین ضرورتی، پژوهش حاضر بر آن است تا تأثیر سرمایه فرهنگی بر مدارای اجتماعی را در هر یک از محیط‌های شهری که به لحاظ مقیاس جمعیت، سلسله مراتب شهری، تنوع و تعدد قومیت‌ها تفاوت دارند بر روی جوانان ۱۸-۳۵ ساله در سه شهر کوچک، میانی و کلان‌شهری (خواف، سبزوار و مشهد)، بسنجد و در پی پاسخ به این سؤال است که، کدام‌یک از ابعاد سرمایه فرهنگی بر شاخص مدارای اجتماعی تأثیر بیشتری دارند و در این راستا به آزمون فرضیه‌های زیر می‌پردازد:

سرمایه فرهنگی و هر یک از ابعاد آن (ذهنی، عینی و نهادی) بر مدارای اجتماعی و ابعاد آن تأثیر معناداری دارد.

بین وضعیت شغلی افراد، وضعیت تحصیلی افراد، وضعیت درآمدی افراد و میزان مدارای اجتماعی آنها رابطه وجود دارد.

۲. مبانی نظری تحقیق

۲.۱. پیشینه تحقیق

علی‌زاده (۱۳۸۷)، به بررسی مدارای اجتماعی و رابطه آن با سرمایه فرهنگی در بین ساکنان شهر همدان پرداخته، نتایج نشان می‌دهد که سرمایه فرهنگی بر مدارای اجتماعی و ابعاد آن تأثیر مثبت داشته و همچنین، میزان مدارای مردان بیشتر از زنان است. گلابی و رضایی (۱۳۹۲)، در بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی، نشان دادند که میزان مدارای اجتماعی با مشارکت اجتماعی و ابعاد سه‌گانه آن (فعالیت مشارکتی، روحیه مشارکتی و گرایش به مشارکت) دارای هم‌بستگی مستقیم و معنادار است. فایقی و باینگانی (۱۳۹۵)، در پژوهشی که بر روی شهروندان اصفهانی انجام دادند، نشان دادند که بیشتر شهروندان اصفهانی از نظر سرمایه فرهنگی در طبقه متوسط هستند و همچنین، دریافتند که پایگاه اقتصادی اجتماعی با سرمایه فرهنگی رابطه معناداری دارد و از میان ابعاد سرمایه فرهنگی، بیشترین نقش تبیین‌کنندگی مربوط به سرمایه فرهنگی نهادینه شده است. فرزام (۱۳۹۵)، در پژوهشی به بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه فرهنگی بر ارتباطات بین فردی با تأکید بر مدارای اجتماعی پرداخته است. نتایج تحقیق نشان داد که بین سرمایه فرهنگی و ابعاد آن با مدارای اجتماعی (رفتاری) رابطه و تأثیر معناداری وجود دارد. فیروزجائیان و همکاران (۱۳۹۵)، در بررسی سرمایه فرهنگی و مدارای اجتماعی در بین جوانان شهر ساری، اشاره کردند که بین سرمایه فرهنگی و ابعاد آن با مدارای اجتماعی (رفتاری) رابطه و تأثیر معناداری وجود دارد. گلابی و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی که در بین شهروندان شهر مشهد انجام دادند، حاکی از آن است که میزان شاخص کل مدارا در شهر مشهد در سطح متوسطی است و همچنین، نشان دادند که متغیرهای سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی در بهبود میزان مدارا در بین شهروندان مؤثرند.

دومهری و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی که در بین شهروندان شهر ساری انجام دادند نشان دادند که با بالارفتن متغیر سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی، مدارای اجتماعی در بین شهروندان افزایش می‌یابد و در برنامه‌ریزی راهبردی سازمان‌ها و نهادهای مختلف کشور می‌توان به آنها

توجه کرد. محمدی (۱۳۹۸)، در پژوهشی که بر روی شهر کرج انجام داده، نشان می‌دهد که بیشتر شهروندان به‌طور میانگین از سرمایه فرهنگی متوسط رو به بالا برخوردارند. شهروندان تا حدودی حضور شهروندان دیگر که در زبان، نژاد، رنگ، قومیت و ... متمایز هستند را در یک مجموعه شهری پذیرفته‌اند و با حقوق و تکالیف خود نسبت به سایر شهروندان آشنا هستند. کوت و اریکسون (۲۰۰۹)، در پژوهشی به بررسی ریشه‌های مدارا پرداختند و نشان دادند که، افراد دارای تحصیلات بالاتر، دارای شبکه اجتماعی وسیع، متنوع و فعال‌تر در انجمن‌های ارادی، از مدارای بالاتری برخوردارند. همچنین، ساکنان مناطق شهری از مدارای بیشتری برخوردارند. کارو و شولتز^۱ (۲۰۱۲)، در بررسی مدارای اقلیت‌ها در امریکای لاتین دریافتند که هرچه روابط افراد با گروه‌ها افزایش یابد، مدارا هم افزایش می‌یابد و هرچه روابط متنوع‌تر شوند، مدارا هم بیشتر خواهد شد. رایهانی^۲ (۲۰۱۴)، در پژوهشی که در مدارس اندونزی انجام دادند، نشان دادند که دانش‌آموزان سرمایه فرهنگی تجسیدی درخصوص تنوع مذهبی و تساهل را از طریق خانواده‌ها و اجتماع کسب می‌کنند و این سرمایه آنها را تجهیز می‌کند تا فرهنگ تساهل را در مدرسه درمورد تنوع مذهبی پدید آورند. وایز و دریکسل^۳ (۲۰۱۷)، در پژوهشی به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی با مدارا و ابعاد آن شامل مدارای هویتی، مدارای مذهبی و مدارای رفتاری در امریکا پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که افراد با میزان مشارکت مدنی و تعامل اجتماعی بالا از مدارای اجتماعی بالاتری برخوردار هستند.

۲.۲. مبانی نظری

مدارا در غرب تا انقلاب فرانسه، فقط به مخاطبان متدین مربوط می‌شد. جان لاک نخستین کسی است که در این زمینه کتابی نگاشت و تلرانس را در ساحت دین برای ایجاد هم‌زیستی و زندگی مسالمت‌آمیز بین پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها به کار برد. بعد از انقلاب فرانسه است که وارد حوزه‌های سیاسی و اجتماعی شده و در اصول انقلاب فرانسه، (آزادی، برابری و برادری) تجلی

1. Caro & Schulz

2. Raihani

3. Wise and Drexel

می‌یابد و تسامح خود را به‌عنوان همتای برادری، برای کنترل خشونت‌های قومی و فرقه‌ای و سیاسی مطرح می‌کند (فیروزجائیان و نازنین، ۱۳۹۹).

به عقیده بوردیو، در هر میدانی میان بازیگران یا گروه‌های اجتماعی، چهار نوع سرمایه رد و بدل می‌شود که عبارتند از:

الف) سرمایه اقتصادی، یعنی ثروت و پولی که هر بازیگر (کنشگر) اجتماعی در دست دارد و شامل درآمدها و بقیه انواع منابع مالی است که در قالب مالکیت جلوه نهادی پیدا می‌کند.
ب) سرمایه اجتماعی، یعنی شبکه‌ای از روابط فردی و گروهی که هر فردی در اختیار دارد و آن شامل همه منابع واقعی و بالقوه‌ای است که می‌تواند در اثر عضویت در شبکه اجتماعی کنشگران یا سازمان‌ها به دست آید.

پ) سرمایه فرهنگی، یعنی قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد و آن در برگیرنده تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی شدن در فرد انباشته می‌شوند.
ت) سرمایه نمادین یعنی مجموعه ابزارهای نمادین، حیثیت، احترام و قابلیت‌های فردی در رفتارها (کلام و کالبد) که فرد در اختیار دارد. سرمایه نمادین جزئی از سرمایه فرهنگی است و به معنای توانایی مشروعیت‌دادن، تعریف‌کردن و ارزش‌گذاردن است (آگیوس و آمبروسویچ، ۲۰۱۰).

به باور تیلور، سرمایه فرهنگی از مؤلفه‌های بسیاری تشکیل شده است؛ برای مثال در یک فرهنگ غربی شاخص‌های زیر، جهت سرمایه فرهنگی مطرح می‌شود که مؤلفه‌هایی نازل به نظر می‌رسند:

الف. دانش، زبان، سلیقه‌ها و سبک‌های زندگی؛

ب. آنچه به آن فرهنگ فرهیختگان می‌گویند؛

پ. شمار و دامنه فرهنگ‌ها و افراد؛

ت. توانایی افراد در شناخت و تشخیص غذاها و نوشیدنی‌های اشرافی؛

ث. انتخاب بازی راگی به جای فوتبال (فلورا، ۲۰۰۵).

طبق نظر آگیوس و آمبروسویچ^۱ (۲۰۰۳)، ویژگی‌های زیر را برای مفهوم مدارا مشخص نمود: ۱. مدارا احترام و پذیرش تنوع فرهنگ‌های دنیای اطافمان و شیوه‌های متفاوت انسان بودن، است. ۲. مدارا به معنای سازش، بخشش یا تشویق رفتار منفی نیست. در اصل مدارا نگرشی فعال براساس به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های همگانی بشری است (بهشتی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۰۹).

مدارا، آزادگذاشتن دیگران برای داشتن ویژگی‌های شخصی یا نگهداری عقاید و اعمالی را توصیف می‌کند که دیگران آن را به‌عنوان عملی اشتباه یا تنفرانگیز در نظر می‌گیرند (دنيس^۲، ۲۰۰۷).

پیتر کینگ مدارا را بر حسب موضوع، به چهار دسته فکری-عقیدتی، هویتی، سیاسی (سازمانی یا نهادی) و رفتاری تقسیم کرده است. این تقسیم‌بندی بدین قرار است: ۱. مدارای فکری-عقیدتی: مدارا نسبت به وجود، بیان یا تبلیغ عقاید مخالف. این نوع از مدارا دارای دو جنبه است. مدارا در مقام نظر و اندیشه که ناظر بر آزادی افراد در پذیرش هر نوع فکر و اندیشه مخالف عقاید مدارا و در معرض چالش قرار دادن آن است. مقتضای مدارا در مقام اندیشه و افکار این است که صاحبان آرا و اندیشه‌های متفاوت، مجبور به پذیرش آراء به‌خصوصی نباشند و یا به دلیل نداشتن تفکر فکری خاص، مورد اذیت و آزار و تضییق و مانند آن قرار نگیرند.

۲. مدارای هویتی یعنی اعمال مدارا نسبت به ویژگی‌هایی که اختیاری نیستند که خود شامل مدارا نسبت به هویت‌های مختلف از قبیل ادیان مختلف، ملیت‌های گوناگون و قومیت‌های متمایز، جنس، نژاد، رنگ و فرهنگ می‌شود و به نوعی منادی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان افراد انسانی می‌شود.

1. Agius and Ambrosevich

2. Dennis

۳. مدارای سازمانی و نهادی یا سیاسی: که ناظر به قبول حق برای گروه‌هایی است که مورد تأیید فرد نیستند؛ به عبارت دیگر به رسمیت‌شناختن حق گردهمایی و ایجاد نهادها، سازمان‌ها و تشکل‌های لازم برای بیان و تبلیغ عقاید که عامل تساهل است.

۴. مدارای رفتاری که خود ناظر به سه نوع مدارا است: مدارا در الگوهای روابط جنسیتی، مدارا نسبت به جرم و مدارا نسبت به مجرمان (شارع‌پور و همکاران، ۱۳۸۸).

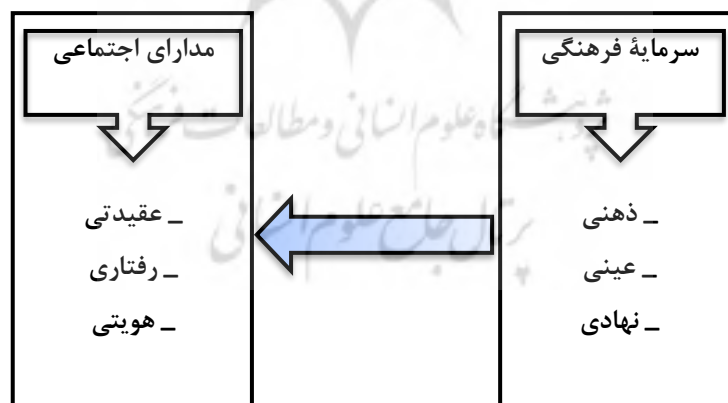
درباره عوامل مؤثر بر مدارای اجتماعی می‌توان گفت عوامل بسیاری تأثیر مستقیم و معناداری بر مدارای اجتماعی دارند که در این پژوهش به بررسی سرمایه فرهنگی پرداخته می‌شود. سرمایه فرهنگی: مفهوم سرمایه فرهنگی برای اولین بار توسط پیر بورديو مطرح شده است، سرمایه فرهنگی بخشی از یک چهارچوب تحلیلی و بازتولید قدرت و امتیاز طبقاتی است که در فرایند تأثیر فرهنگ در نابرابری‌های اجتماعی مطرح شده است. سرمایه فرهنگی به‌عنوان شکلی از سرمایه ارزشی و فرهنگ برجسته طبقات والا است که با سرمایه اقتصادی و اجتماعی متفاوت بوده؛ ولی درنهایت به هر دو این سرمایه‌ها قابل تبدیل می‌باشد (بورديو، ۲۰۰۷). بورديو از مشهورترین نظریه‌پردازان سرمایه فرهنگی است و به‌طورکلی معتقد است دارندگان سرمایه فرهنگی زیاد، خود را با مصرف فرهنگ و هنر متعالی، از بقیه متمایز می‌کنند. داشتن سرمایه فرهنگی بیشتر به معنای داشتن توان شناختی بالا و گرایش به هنر متعالی، ناشی از شایستگی بیشتر دارندگان این سرمایه است. ابعاد سرمایه فرهنگی از نظر بورديو به شرح زیر است:

سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته (ذهنی): این سرمایه با شخصی که در آن تجسم می‌یابد، ارتباط نزدیک دارد. درواقع نوعی ثروت بیرونی است که به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیری در فرد درآمده است. همان سرمایه که بورديو آن را بعد سرمایه فرهنگی همراه با تولد می‌نامد. این نوع از سرمایه، توانایی بالقوه‌ای دارد که به تدریج بخشی از فرد شده و در او تثبیت شده است.

سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته: این بعد از سرمایه فرهنگی که بیشتر درکالاها و اشیاء مادی تجسم می‌یابد، از بدیهی‌ترین و آشکارترین نوع ابعاد سرمایه فرهنگی است که افراد جامعه

می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. به‌طور خلاصه، به تمامی اشیاء و کالاهای فرهنگی، سرمایه فرهنگی عینی می‌گویند. خصلت اساسی این سرمایه تأثیر آموزشی است که بر دارندگان آن دارد. سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده: لازمه این نوع سرمایه، وجود افراد باصلاحیت و مستعد، برای کسب انواع مدارک تحصیلی و دانشگاهی و از طرف دیگر وجود نهادهای رسمی است که این مدارک تحصیلی را صادر و به آن رسمیت بخشند. این نوع سرمایه این توانایی را دارد که سرمایه فرهنگی را از طریق کاربرد آن به طریق معقول و رسمی به نوعی به سرمایه اقتصادی تبدیل کند. این بعد از سرمایه فرهنگی، به کمک ضوابط اجتماعی و به دست آوردن عنوان‌هایی مانند: مدارک تحصیلی، تصدیق حرفه و کار برای افراد دارنده آن موقعیت کسب می‌کند (عباسی و رازقی، ۱۳۹۷)

با توجه به پیشینه تجربی موضوع و ادبیات نظری ارائه‌شده و تقسیم‌بندی‌های متفاوت از ابعاد سرمایه فرهنگی و مدارای اجتماعی در دیدگاه‌های متفاوت و پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه، در این پژوهش بنابر مقتضیات تحقیق، متغیرهای سرمایه فرهنگی و مدارای اجتماعی هر کدام در سه بعد دسته‌بندی شد که به شرح ذیل است.



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

۳. روش تحقیق

تحقیق حاضر از حیث نوع تحقیق براساس هدف جزء تحقیقات بنیادی و از حیث ماهیت آن، جزء تحقیقات توصیفی-تحلیلی و پیمایشی است.

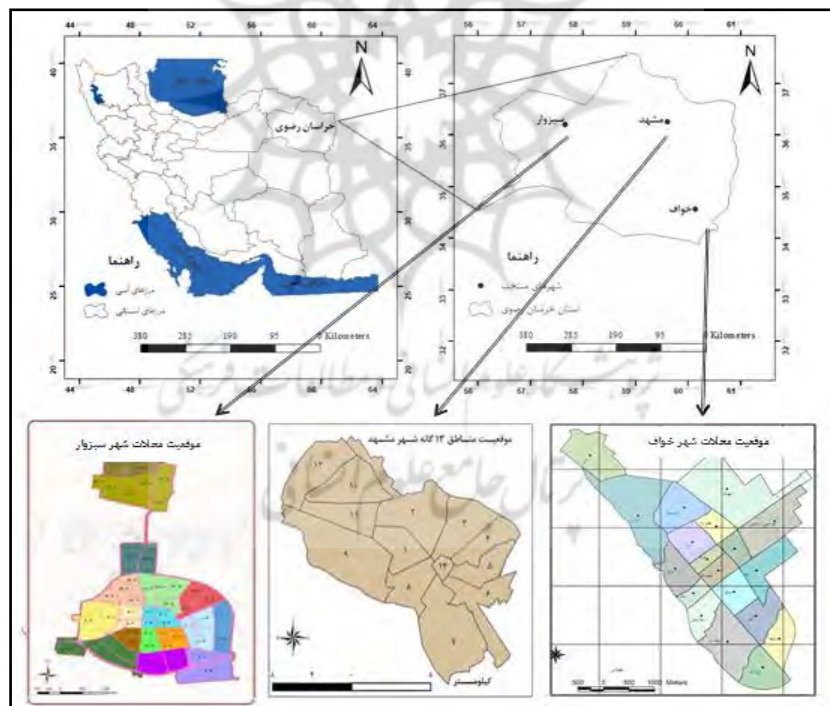
شهر خواف با جمعیت ۹۶۵۱ نفر ۱۸-۳۵ ساله، تعداد ۳۶۹ نفر به عنوان نمونه انتخاب شده، شهر سبزوار با جمعیت ۷۹۴۳۷ نفر، ۱۸-۳۵ ساله، ۳۸۲ نفر به عنوان نمونه و کلان شهر مشهد با جمعیت ۱۰۱۸۱۱۳۰ نفر ۱۸-۳۵ ساله، ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. از نظر نوع نمونه گیری، نمونه گیری تصادفی طبقه بندی شده در هر شهر استفاده شده است؛ البته باید دانست که به اقتضای کار تحقیقی و رشته تحصیلی (جغرافیا) برای توزیع متناسب و متعادل پرسش نامه ها و تحت پوشش قرار گرفتن کل شهر سعی شد تا اکثریت نواحی درون مناطق شهر در این جریان سهیم باشند و برای تجزیه و تحلیل داده ها از ضرایب هم بستگی، تحلیل رگرسیون و تحلیل واریانس بهره گیری شده است. متغیر وابسته این تحقیق، میزان مدارای اجتماعی جوانان ۱۸-۳۵ ساله شهرهای خواف، سبزوار و مشهد است. این متغیر شامل ابعاد هویتی، عقیدتی و رفتاری است. متغیر مستقل، سرمایه فرهنگی شامل: ابعاد عینی، ذهنی و نهادی است. مقدار آلفا برای ۴۳ گویه مربوط به ابعاد سرمایه فرهنگی و ابعاد مدارای اجتماعی برابر با ۰/۷ به دست آمده که نشان می دهد مقیاس مورد نظر از پایایی مناسبی برخوردار است.

جدول ۱. ضریب آلفای کرونباخ متغیرها در پرسش نامه

متغیر	ابعاد	تعداد گویه	ضریب پایایی
سرمایه فرهنگی	ذهنی	۵	۰/۶۱۴
	عینی	۷	۰/۶۳۸
	نهادی	۵	۰/۶۰۲
مدارای اجتماعی	هویتی	۷	۰/۸۷۲
	عقیدتی	۵	۰/۷۷۹
	رفتاری	۱۴	۰/۶۱۵
مجموع	کل	۴۳	۰/۶۷۸

۳. ۱. معرفی شهرهای مورد مطالعه

کلان‌شهر مشهد در شمال شرقی ایران و در محدوده خراسان رضوی واقع شده و جمعیت آن، ۳۰۰۱۱۸۴ نفر است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). کلان‌شهر مشهد دارای ۱۳ منطقه شهری بوده که جمعاً مساحتی در حدود ۲۹ هزار هکتار را در برمی‌گیرد. تراکم جمعیتی شهر در حدود ۱۱۹/۴ نفر در هر کیلومتر مربع است (آمارنامه شهرداری مشهد، ۱۳۹۵). شهر سبزوار در زمره شهرهای میانی کشور بوده و در غرب خراسان رضوی واقع شده است. جمعیت آن، ۲۴۳۷۰۰ نفر بوده و در زمره شهرهای میانی است. شهر خواف در زمره شهرهای کوچک کشور بوده و در جنوب شرقی خراسان رضوی واقع شده است. جمعیت آن، ۳۳۱۸۹ نفر و تراکم جمعیتی این شهر در حدود ۲۵/۳۴ نفر در هر کیلومتر مربع است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).



شکل ۱. موقعیت شهرهای مورد مطالعه در کشور و استان، ۱۴۰۳

مأخذ: زنگنه، ۱۳۹۸

۴. یافته‌های تحقیق

۴.۱. تحلیل توصیفی داده‌ها

از کل ۱۱۳۵ نفر نمونه در سه شهر خواف، سبزوار و مشهد، ۵۲ درصد پاسخ‌گویان مرد و ۴۸ درصدشان زن، ۵۱/۳ درصد پاسخ‌گویان متأهل و ۴۸/۷ درصدشان مجرد بوده‌اند. ۳۵ درصد پاسخ‌گویان در رده تحصیلی لیسانس و ۱۰/۸ درصد فوق لیسانس و بالاتر و بقیه در رده‌های زیر لیسانس بوده‌اند. ۴۲/۶ درصد دارای شغل آزاد و بقیه شامل مشاغل آزاد، دولتی، تحت پوشش و مستمری‌بگیران بوده‌اند. تقریباً توزیع متناسبی در سه رده سنی ۱۸-۲۴، ۲۵-۲۹ و ۳۰-۳۵ ساله وجود داشته است.

جدول ۱. توزیع فراوانی متغیر سرمایه فرهنگی (عینی، ذهنی و نهادی) پاسخ‌گویان در سه شهر مورد

مطالعه

شهر	خواف	سبزوار	مشهد	کل
کم	۵۱/۵	۱۴/۴	۳۳/۹	۲۱/۴
متوسط	۳۳/۳	۷۷/۲	۳۸/۸	۷۳
زیاد	۱۵/۲	۸/۴	۲۷/۳	۵/۶

براساس جدول بالا، نشان داده شده که ۷۳ درصد افراد نمونه از سرمایه فرهنگی در سطح متوسط برخوردار بوده‌اند.

جدول ۲. توزیع فراوانی متغیر مدارای اجتماعی پاسخ‌گویان در سه شهر مورد مطالعه

شهر	خواف	سبزوار	مشهد	کل
کم	۳۵/۶	۱۲/۸	۶/۵	۷/۴
متوسط	۵۱/۳	۶۲/۲	۶۲/۳	۶۱/۹
زیاد	۱۳/۱	۲۵	۳۱/۲	۳۰/۷

در جدول ۲، نشان داده شده که در کل ۶۱/۹ درصد افراد نمونه از مدارای اجتماعی در سطح متوسط برخوردار بوده‌اند.

۲.۴. تحلیل استنباطی داده‌ها

در این بخش از پژوهش به پاسخ‌گویی سؤالات آزمون فرضیات پرداخته می‌شود.

جدول ۳. آزمون هم‌بستگی پیرسون بین متغیرهای سرمایه فرهنگی ذهنی با مدارای اجتماعی و ابعاد آن

ابعاد مدارای اجتماعی			مدارای اجتماعی	متغیر مستقل: سرمایه فرهنگی ذهنی
مدارای عقیدتی	مدارای هویتی	مدارای رفتاری		
۰/۰۸	۰/۱۷۲	۰/۰۹	۰/۱۱۷	شدت رابطه
۰/۷	۰/۰۰	۰/۷	۰/۰۰	سطح معناداری

جدول بالا آزمون هم‌بستگی پیرسون بین متغیر مستقل (سرمایه فرهنگی ذهنی) و متغیر وابسته (مدارای اجتماعی و ابعاد آن) را نشان می‌دهد. متغیر مدارای اجتماعی کل در سطح معناداری ۰/۰۰۰، هم‌بستگی معنادار و مثبت با متغیر سرمایه فرهنگی ذهنی داراست. همچنین، متغیر مدارای هویتی در سطح معناداری ۰/۰۰۰ هم‌بستگی مثبت و معناداری را با متغیر سرمایه فرهنگی نشان می‌دهد؛ اما متغیرهای مدارای رفتاری و مدارای هویتی با میزان سرمایه فرهنگی رابطه معناداری را نشان نمی‌دهند. بنابراین، با توجه به نتایج جدول بالا، فرضیه اول تحقیق (سرمایه فرهنگی ذهنی بر مدارای اجتماعی تأثیر معناداری دارد) تأیید می‌شود؛ اما در سطح ابعاد رفتاری و عقیدتی معنادار نیست.

جدول ۴. آزمون هم‌بستگی پیرسون بین متغیرهای سرمایه فرهنگی عینی با مدارای اجتماعی و ابعاد آن

ابعاد مدارای اجتماعی			مدارای اجتماعی	متغیر مستقل: سرمایه فرهنگی عینی
مدارای عقیدتی	مدارای هویتی	مدارای رفتاری		
۰/۱۳۷	۰/۱۷۹	۰/۰۲۸	۰/۱۷۱	شدت رابطه
۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۳	۰/۰۰	سطح معناداری

جدول ۴، آزمون هم‌بستگی پیرسون بین متغیر مستقل (سرمایه فرهنگی عینی) و متغیر وابسته (مدارای اجتماعی و ابعاد آن) را نشان می‌دهد. متغیر مدارای اجتماعی کل در سطح معناداری ۰/۰۰۰، هم‌بستگی معنادار و مثبت با متغیر سرمایه فرهنگی عینی است. همچنین، متغیر مدارای هویتی و عقیدتی هم در سطح معناداری ۰/۰۰۰ هم‌بستگی مثبت و معناداری را با متغیر سرمایه عینی نشان می‌دهند؛ اما متغیرهای مدارای رفتاری با میزان سرمایه فرهنگی عینی رابطه معناداری را نشان نمی‌دهند.

بنابراین، با توجه به نتایج جدول فوق، فرضیه دوم تحقیق (سرمایه فرهنگی عینی بر مدارای اجتماعی و ابعاد آن تأثیر معناداری دارد) تأیید می‌شود.

جدول ۵. آزمون هم‌بستگی پیرسون بین متغیرهای سرمایه فرهنگی نهادی با مدارای اجتماعی و ابعاد آن

ابعاد مدارای اجتماعی			مدارای اجتماعی	متغیر مستقل: سرمایه فرهنگی نهادی
مدارای عقیدتی	مدارای هویتی	مدارای رفتاری		
۰/۱۹۵	۰/۱۲۵	۰/۰۵۵	۰/۱۵۶	شدت رابطه
۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۶۳	۰/۰۰	سطح معناداری

جدول بالا، آزمون هم‌بستگی پیرسون بین متغیر مستقل (سرمایه فرهنگی نهادی) و متغیر وابسته (مدارای اجتماعی و ابعاد آن) را نشان می‌دهد. متغیر مدارای اجتماعی کل در سطح معناداری ۰/۰۰۰، هم‌بستگی معنادار و مثبت با متغیر سرمایه فرهنگی نهادی است. همچنین، متغیر مدارای هویتی و عقیدتی هم در سطح معناداری ۰/۰۰۰ هم‌بستگی مثبت و معناداری را با متغیر سرمایه نهادی نشان می‌دهند؛ اما متغیر مدارای رفتاری با میزان سرمایه فرهنگی نهادی رابطه معناداری را نشان نمی‌دهند. بنابراین، با توجه به نتایج جدول فوق، فرضیه سوم تحقیق (سرمایه فرهنگی نهادی بر مدارای اجتماعی و ابعاد آن تأثیر معناداری دارد) تأیید می‌شود.

جدول ۶. آزمون هم‌بستگی پیرسون بین متغیرهای سرمایه فرهنگی و مدارای اجتماعی پاسخ‌گویان

آزمون پیرسون		متغیر وابسته: مدارای اجتماعی
سطح معناداری	شدت رابطه	
۰/۰۰	۰/۱۴۴	سرمایه فرهنگی

جدول بالا، آزمون هم‌بستگی پیرسون بین متغیر وابسته (مدارای اجتماعی) و متغیر مستقل (سرمایه فرهنگی) را نشان می‌دهد. متغیر سرمایه فرهنگی دارای هم‌بستگی معنادار و مثبت (در سطح معناداری ۰/۰۰۰) با متغیر مدارای اجتماعی هستند. بنابراین، با توجه به نتایج جدول بالا، فرضیه اصلی پژوهش (بین سرمایه فرهنگی و مدارای اجتماعی رابطه وجود دارد) تأیید می‌شود.

جدول ۷. آزمون هم‌بستگی اسپیرمن بین متغیرهای تحصیلات افراد با مدارای اجتماعی

آزمون اسپیرمن		متغیر وابسته: میزان مدارای اجتماعی
سطح معناداری	شدت رابطه	
۰/۰۰۰	۰/۱۴۹	تحصیلات

جدول ۷، آزمون هم‌بستگی اسپیرمن بین متغیر مستقل (تحصیلات) و میزان مدارای اجتماعی را نشان می‌دهد. متغیر میزان تحصیلات دارای هم‌بستگی معنادار و مثبت در سطح معناداری ۰/۰۰۰ است.

جدول ۸. آزمون تحلیل واریانس میزان مدارای اجتماعی پاسخ‌گویان بر اساس وضعیت اشتغال

وضعیت اشتغال	تعداد	df	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معناداری
دولتی	۲۱۳	۴	۴/۷۷	۶/۱۵	۰/۰۰
آزاد	۴۸۳				
مستمری بگير	۲۳				
تحت پوشش	۲۷				
سایر موارد	۳۸۹				

براساس نتایج جدول آزمون تحلیل واریانس بین متغیرهای وضعیت شغلی و میزان مدارای اجتماعی پاسخ‌گویان، با توجه به مقدار $F=6/15$ و سطح معناداری $0/00$ ، که کمتر از $0/05$ است، می‌توان گفت که تفاوت معناداری بین وضعیت شغلی و میزان مدارای اجتماعی وجود دارد. بنابراین، با توجه به نتایج جدول، می‌توان گفت که (بین شغل افراد و میزان مدارای اجتماعی آنها رابطه وجود دارد). تأیید می‌شود.

جدول ۹. آزمون هم‌بستگی اسپیرمن بین متغیرهای میزان درآمد سرپرست خانوار با مدارای اجتماعی

آزمون اسپیرمن		متغیر وابسته:
سطح معناداری	شدت رابطه	میزان مدارای اجتماعی
۰/۰۳	۰/۶۵	میزان درآمد

جدول ۹، آزمون هم‌بستگی اسپیرمن بین متغیر مستقل (میزان درآمد) و میزان مدارای اجتماعی را نشان می‌دهد. متغیر میزان درآمد افراد دارای هم‌بستگی معنادار و مثبت در سطح معناداری $0/03$ است. بنابراین، فرضیه مربوطه (بین میزان درآمد فرد و میزان مدارای اجتماعی رابطه وجود دارد). تأیید می‌شود.

۴.۲.۱. تحلیل رگرسیونی عوامل تبیین‌کننده مدارای اجتماعی

با استفاده از مدل رگرسیونی چندگانه توأم، عوامل و شاخص‌های تأثیرگذار در میزان مدارای اجتماعی سه شهر مورد مطالعه مشخص شد. نتایج به دست آمده حکایت از آن دارد که شاخص‌های سه‌گانه وارد شده به مدل به میزان ۵۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته (مدارای اجتماعی) را تبیین می‌کنند.

جدول ۱۰. آماره‌های تحلیل رگرسیون چندمتغیره شاخص‌های مدارای اجتماعی

انحراف معیار از برآورد	ضریب تبیین تصحیح‌شده	ضریب تبیین	ضریب هم‌بستگی چندگانه
۰/۰۶۱	۰/۵۸۷	۰/۶۰۱	۰/۷۶۵

جدول ۱۱. تحلیل واریانس رگرسیون چندگانه شاخص‌های مدارای اجتماعی

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	کمیت F	سطح معناداری
اثرات رگرسیونی	۱۰/۱۶۸	۳	۳/۳۸	۱۷/۹۳	۰/۰۰۰
باقی مانده	۲۱۳/۶۸	۱۱	۰/۱۸۹		
کل	۲۲۳/۸۴۸	۱۴	-		

مقادیر Beta در جدول ۴، نشان می‌دهد که شاخص سرمایه فرهنگی ذهنی، بیشترین تأثیر را در میزان مدارای اجتماعی سه شهر مورد مطالعه دارد و بعد از این شاخص‌های سرمایه فرهنگی عینی و سرمایه فرهنگی نهادی در اولویت دوم و سوم، تأثیرات فزاینده‌ای را بر میزان مدارای اجتماعی سه شهر مورد مطالعه خواهند داشت؛ به طوری که به ازای یک واحد تغییر در شاخص سرمایه فرهنگی ذهنی ۱/۲۲ واحد تغییر در شاخص میزان مدارای اجتماعی ایجاد خواهد شد. در مرتبه بعدی به ازای یک واحد تغییر در بخش شاخص‌های سرمایه فرهنگی عینی ۰/۹۳۳ واحد تغییر در شاخص میزان مدارای اجتماعی به وجود خواهد آمد.

جدول ۱۲. آماره‌های ضرایب مدل رگرسیون متغیرهای سرمایه فرهنگی بر مدارای اجتماعی

نام متغیر	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد شده	T	سطح معناداری
	B	خطای B			
مقدار ثابت	۳/۸۲۴	۰/۰۹۰	--	۴۲/۲۷	۰/۰۰۰
سرمایه فرهنگی ذهنی	۰/۸۷۲	۰/۰۲۳	۱/۲۲	۲/۷۰	۰/۰۰۷
سرمایه فرهنگی عینی	۰/۱۰۳	۰/۲۲۲	۰/۹۳۳	۴/۶۷	۰/۰۰۰
سرمایه فرهنگی نهادی	۰/۵۴۶	۰/۳۴۰	۰/۵۲۱	۱/۳۵	۰/۰۰۰

در پاسخ به سؤال اول تحقیق مبنی بر اینکه کدام یک از ابعاد سرمایه فرهنگی بر شاخص مدارای اجتماعی تأثیر بیشتری دارند، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند در افزایش مدارای اجتماعی در سه شهر مورد مطالعه، بیشترین تأثیر مربوط به سرمایه فرهنگی ذهنی و در اولویت‌های بعدی به ترتیب، شاخص‌های سرمایه فرهنگی عینی و نهادی خواهند بود.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در پژوهش حاضر، تأثیر سرمایه فرهنگی بر مدارای اجتماعی گروه سنی ۱۸-۳۵ ساله در شهرهای خواف، سبزوار و مشهد بررسی شد و نتایج زیر به دست آمد:

نتایج نشان داد که، متغیر سرمایه فرهنگی کل دارای هم‌بستگی معنادار و مثبت با متغیر مدارای اجتماعی کل و ابعاد سه‌گانه هویتی، عقیدتی و رفتاری هستند. در واقع، با بالا رفتن مؤلفه‌های سرمایه‌های فرهنگی اعم از عینی، ذهنی و نهادی در بین جوانان، مدارای اجتماعی آنها هم افزایش می‌یابد.

شاخص سرمایه فرهنگی ذهنی، بیشترین تأثیر را در میزان مدارای اجتماعی سه شهر مورد مطالعه دارد. در واقع، گویه‌های مربوط به سرمایه فرهنگی ذهنی مانند علاقه‌مندی به کتاب‌خوانی و رمان و نشریات و موسیقی و هنرهای دستی و تجسمی و علاقه‌مندی به انجام فعالیت‌های مذهبی و تفریحی، بیشترین تأثیر را در افزایش مدارای اجتماعی افراد دارند که باید به آنها توجه شود.

نتایج این تحقیق از نظر تأثیر سرمایه فرهنگی و ابعاد آن بر مدارای اجتماعی با نتایج تحقیقات گلابی و همکاران (۱۳۹۹)، دومهری و همکاران (۱۳۹۸)، فیروزجائیان و همکاران (۱۳۹۹)، ویتنبرگ و باترس (۲۰۱۲)، کوت و اریکسون (۲۰۰۹)، رایهانی^۱ (۲۰۱۴)، وایز و دریکسل^۲ (۲۰۱۷)، کارو و شولتز^۳ (۲۰۱۲)، محمدی (۱۳۹۸)، دومهری و همکاران (۱۴۰۰)، فرزام (۱۳۹۵) و علی‌زاده (۱۳۸۷) هم‌راستا است.

در بین پژوهشگران و نظریه‌پردازان عرصه مدارا، کسانی مثل وگت و سولیوان بر اهمیت نقش آموزش، تحصیلات و برخورداری از کالاهای فرهنگی بر افزایش میزان مدارای افراد در جامعه تأکید داشته‌اند. نتایج مطالعه حاضر نیز به درستی و تأیید این ادعا اشاره دارد. از نکات درخور توجه در رابطه بین ابعاد سرمایه فرهنگی و میزان مدارا در بین شهروندان، نبود رابطه بین بعد

1. Raihani

2. Wise and Drexel

3. Caro & Schulz

سرمایه فرهنگی نهادی و ابعاد مداراست. این امر نشان می‌دهد صرف کسب مدرک در رشته‌های مختلف نمی‌تواند باعث افزایش مدارا شود؛ بلکه آنچه مدارا را افزایش می‌دهد، مصرف واقعی کالای فرهنگی و صرف زمان در این زمینه است. با توجه به نتایج بالا، پیشنهادات ذیل ارائه می‌شود:

با توجه به مهاجرپذیر بودن کلان‌شهر مشهد و همچنین، تکثر قومی و زبانی و فرهنگی موجود در استان خراسان رضوی، لازم است که صدا و سیما ملی و استانی برای تقویت فرهنگ مدارا، به شناساندن هرچه بیشتر این تفاوت‌ها در برنامه‌های صدا و سیما بپردازد.

به دلیل اینکه شاخص‌های سرمایه فرهنگی عینی، ذهنی و نهادی از عوامل مؤثر بر میزان مدارای اجتماعی هستند، لازم است تا بررسی و مطالعه گسترده‌ای درباره عوامل و راهکارهای مؤثر بر میزان سرمایه فرهنگی و ابعاد آن در بین شهروندان استان خراسان رضوی انجام شود تا از این طریق بتوان زمینه‌پیدایی و موجبات افزایش سرمایه فرهنگی را فراهم و از کاهش آن پیشگیری نمود.

با توجه به تأثیرپذیری مدارای اجتماعی از سرمایه فرهنگی، ضرورت دارد تا تعاملات و ارتباطات اجتماعی خانواده‌ها با بستگان، دوستان و گروه‌های اجتماعی و سازمان‌های مردم‌نهاد افزایش یابد و این خود زمینه ارتقاء سرمایه فرهنگی را فراهم می‌کند.

۶. پی‌نوشت و یادداشت‌ها

از صندوق پژوهشگران و فناوران ریاست جمهوری که حمایت مالی طرح فوق (عوامل مؤثر بر مدارای اجتماعی با تأکید بر سرمایه فرهنگی در شهرهای کوچک، میانی و کلان‌شهری، مورد مطالعه: جوانان ۱۸ تا ۳۵ ساله شهرهای خواف، سبزوار و مشهد) را انجام دادند، تشکر و قدردانی می‌شود.

کتابنامه

۱. احمدی، ی.؛ احمدی، و.، گودرزی، س.، و عبدالمالکی، پ. (۱۴۰۰). تبیین جامعه‌شناختی مدارا و ابعاد آن (مورد مطالعه: شهروندان هجده سال به بالای استان کرمانشاه)، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۰ (۲)، ۳۷۹-۴۰۸.
۲. افرا، ه. (۱۴۰۱). مدارای اجتماعی در جامعه فردگرا (مطالعه تأثیر فردگرایی بر مدارای اجتماعی جوانان در شهر بجنورد، *تحقیقات فرهنگی*، ۱۵ (۱)، ۴۳-۶۸.
۳. *آمارنامه شهر مشهد*. (۱۳۹۶)، شهرداری مشهد: معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی.
۴. بهشتی، ص.، علیزاده، م.، و کنعانی، ز. (۱۳۹۸). تبیین جامعه‌شناختی رابطه هوش فرهنگی و مدارای اجتماعی بین شهر یاسوج، *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ۸ (۲۵)، ۱۰۶-۸۷.
۵. دومهری، م.، بهبان، ش.، و جهانبخش، ا. (۱۳۹۸). مطالعه رابطه بین سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان ۱۵ تا ۲۴ ساله استان مازندران)، *فصلنامه مطالعات فرهنگ و ارتباطات*، ۲۰ (۴۷)، ۱۶۴-۱۴۱.
۶. دومهری، م.، بهبان، ش.، و جهانبخش، ا. (۱۴۰۰). راهبردهای ارتقای مدارای اجتماعی با تأکید بر نقش سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی، *فصلنامه مطالعات فرهنگ*، ۲ (۲)، ۱۲۹-۱۵۹.
۷. ذکایی، م.، و امیری مقدم، م. (۱۴۰۰). *برساخت اجتماعی مدارا در زندگی روزمره شهری، جامعه شناسی کاربردی*، ۳۲ (۸۴)، ۱-۲۴.
۸. زالی زاده، م.، باقری، م.، و ملتفت، ح. (۱۳۹۷). بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر مدارای اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز)، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۹ (۷۰)، ۱۲۹-۱۴۶.
۹. شارع پور، م.، آزاد ارمکی، د.، و عسکری، ع. (۱۳۸۸). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با مدارا در بین دانشجویان دانشکده های علوم اجتماعی دانشگاه های تهران و علامه طباطبائی، *جامعه‌شناسی ایران*، ۱۰ (۱)، ۶۴-۹۸.
۱۰. عباسی، ع.، و رازقی، ه. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر احساس امنیت شهروندان شهرستان های استان مازندران، *فصلنامه انتظام اجتماعی*، ۱۰ (۲)، ۱۴۸-۱۰۹.

۱۱. علی زاده، م.ج. (۱۳۸۷). مطالعه مدارای اجتماعی و رابطه آن با سرمایه فرهنگی بین افراد ۵۰-۱۵ ساله شهر همدان، پایان نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده، دانشگاه بوعلی سینا همدان، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، گروه علوم اجتماعی.
۱۲. فایقی، س.، باینگانی، ب. (۱۳۹۵). سنجش سرمایه فرهنگی طبقات براساس پایگاه اقتصادی اجتماعی (مطالعه موردی شهروندان اصفهانی)، جامعه پژوهی فرهنگی، ۷(۳)، ۱۴۸-۱۲۷.
۱۳. فیروزجائیان، ع.ا.، شار پور، م.، و فرزام، ن. (۱۳۹۵). بررسی جامعه شناختی تأثیر سرمایه فرهنگی بر ارتباطات بین فردی با تأکید بر مدارای اجتماعی، مجله مطالعات فرهنگ و ارتباطات، ۱۷(۳۵)، ۷-۳۱.
۱۴. فیروزجائیان، ع.، و نازنین، ف. (۱۳۹۹). سرمایه اجتماعی و مدارا نسبت به میجرمان، فرهنگ و هنر، ۲(۴)، ۱۰۹-۱۳۰.
۱۵. فیروزجائیان، ع.ا.، شارخ پور، م.، و فرزام، ن. (۱۳۹۵). سرمایه فرهنگی و مدارای اجتماعی، فصلنامه توسعه اجتماعی، ۱۱(۶۴)، ۳۳-۶۴.
۱۶. گلابی، ف.، و رضایی، ا. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی. فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۲(۱)، ۶۱-۸۶.
۱۷. گلابی، ف.، علیزاده اقدم، م.ب.، آقایی هیر، ت.، و زردموی اردکلو، ش. (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی و اجتماعی با مدارا در بین شهروندان (مطالعه شهروندان شهر مشهد)، مجله علوم اجتماعی، ۱۶(۲)، ۳۴۷-۳۸۸.
۱۸. محمدی، ز. (۱۳۹۸). مطالعه رابطه سرمایه فرهنگی و فرهنگ شهروندی با شهروندی فرهنگی (مورد مطالعه شهر کرج)، مجله مدیریت فرهنگی، ۱۲(۴۳)، ۲۹-۴۴.
۱۹. مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، آمار شهرهای خراسان رضوی. <https://amar.org.ir/>

20. Agius, E., & Ambrosewicz-Jacobs, J. (2013). *Towards a culture of tolerance and peace*. Montreal, Canada: International Bureau for Children's Rights.
21. Ananina, V., & Danilov, D. (۲۰۱۵). Ethnic Tolerance Formation among Students of Russian Universities: Current State, Problems, and Perspectives, *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 214, ۴۸۷-۴۹۶

22. Bourdieu, P. (2007). *The Forms of Capital*. In J. G. Richardson (Ed.). *Handbook of Theory and Research for Sociology of Education*. New York: Greenwood Press.
23. Caro, Daniel H., & Schulz, W. (2012) Ten Hypotheses About Tolerance Toward Minorities Among Latin American Adolescents, *Journal of Social And Economics Education*, 11, 213-234.
24. Cote, R. & B. Erickson, H. (2009). Untangling the Roots of Tolerance. *American Behavioral Scientist*, 52 (12), 1664-1689.
25. Dennis, Y. (2007). *Tolerating on faith: Lacke, Williams and the Origins of Political Toleration*, Dissertation, Department of Political Science, Duke University.
26. Flora, Alice.(2005). *Cultural Capital and Other Capital*, Nuffield College Oxford.
27. Kobayashi, T. (2010). Social Bridging Social Capital in Online zommunities: Heterogeneity and Social Tolerance of Online Game Players in Japan. *Journalof Human Communication Research*, 36, 546-569.
28. Raihani R. (2014). Creating a culture of religious tolerance in an Indonesian school. *South East Asia Research*, 22(4), 541-560.
29. Sintang, S. Khambali, Kh. (2013). The culture of tolerance in families of new Muslims convert, *Middle East Journal of Scientific Research*, 15, 1665-1675.
30. Storberg, J. (2002). The Evolution of Capital Theory: A Critique of a Theory of Social Capital and Implications For HRD, *Human Resource Development Review*, 1(4), 468-499.
31. Van Doorn, M. (2014). The nature of tolerance and the social circumstances in which it emerges. *Current Sociology review*. 62(6), 905-927.
32. Wise, J., & Driskell, R. (2017). Tolerance Within Community: Does Capital Affect Tolerance?, *Journal of Social Indicators Research*, *Social November* , 134 (2), 607e629.
33. Witenberg, R., T. & Butrus, N. (2012). Some Personality Predictors of Tolerance to Human Diversity: The Roles of Openness, Agreeableness, and Empathy. *Journal of Australian Psychological Society*, 65, 220-235.
34. Zanakis, S., Newburry, W., & Taras, V. (2016), Global Social Tolerance Index and Multi-Method Country Rankings Sensitivity, *Journal of International Business Studies*, 47, 480-497.